



تحلیل رویکرد اجتماعی امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با سران زیدیه (با الگوگیری از روش تحلیل گفتمان روایی پدام (PDAM))

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۳۱

ملیحه اکبری^۱، حسین خاکپور^۲، ابراهیم نوری^۳

چکیده

سلوک رفتاری و گفتاری امام رضا (علیه السلام) می‌تواند به عنوان الگویی در تعاملات مورد توجه قرار گیرد. در این دوران «زیدیه» از انقلابی‌ترین فرقه‌های شیعی محسوب می‌شد که چندان مورد تأیید و حمایت امام عصرش نبود. تعاملات امام رضا (علیه السلام) با فرقه زیدیه به عنوان یک دوست منحرف، الگوی رفتاری سازماندهی شده‌ای را به دست می‌دهد که راهگشای مسائل نو ظهور خواهد بود.

این مقاله به روش توصیفی تحلیلی، به شناسایی رویکردهای اجتماعی گفتمان امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با سران فرقه زیدیه می‌پردازد. امام رضا (علیه السلام) در گفتمان‌های اجتماعی مربوط به عامه و دانشمندان، با طرح مباحث توحید، امامت و ولایت و پاسخ به پرسش‌ها و شبهه‌ها، رهنمودهای رفتاری ارزشمندی از خود به جای گذاشته‌اند. این گفتمان‌ها به طور غیر مستقیم، متأثر از عنصر سوم گفتمان (مأمون عباسی - قدرت) نیز است. محورهای اساسی خلق گفتمان امام رضا (علیه السلام) با سران فرقه زیدیه (دوست منحرف)، در مقابل دشمن مشترک (مأمون)، با هدف روشنگری و هدایت صورت پذیرفته است؛ اما محورهای اساسی در خلق گفتمان رضوی با مأمون با هدف تبیین و سازش‌ناپذیری است که گاهی با تقیه در اظهار نظر همراه است. در هر کدام از این رویکردها به دال‌های مرکزی می‌رسیم که نقش مهمی در تحلیل گفتمان امام رضا (علیه السلام) با زیدیه دارد.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، رویکرد اجتماعی، تحلیل گفتمان روایی، زیدیه.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، زاهدان: salma.akbari800@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، زاهدان (نویسنده مسئول): dr.khakupour@theo.usb.ac.ir
۳. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران، زاهدان: e.noorii@theo.usb.ac.ir

۱. مقدمه

استفاده الگویی از روایات و تقریرات ائمه معصوم (علیهم السلام) در مسائل روز، نیاز ضروری جامعه اسلامی است. کشف و فهم صحیح گفتمان‌های روایی ایشان و استخراج الگوی مناسب برای کاربردی کردن آن در مسائل مشابه، راهگشای بسیاری از امور خواهد بود؛ از آنجا که امام رضا (علیه السلام) به عنوان یک مدبر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و...، راه حل‌های پیشگیری، تصحیح و درمان بسیاری از مسائل اجتماعی را بیان کرده‌اند؛ تحلیل گفتمانی ایشان با قشرهای مختلف مردمی، می‌تواند برای رفع نیاز امروز جوامع انسانی نیز مفید باشد.

امام رضا (علیه السلام) در عصر پرتلاطم هجوم افکار غیر اسلامی، با وجود خدعه‌های مأمون برای امام (علیه السلام) و علویان و اوضاع متشنج اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم، با گفتمان‌های به موقع و البته طلایی خود، با حفظ وحدت، تربیت و هدایت، تک و پاتک‌ها و ایجاد فضای استحفاظی، به بهبود و درمان اوضاع کمک کرد (خاکپور، ۱۳۹۳: ۳۲) به یقین همه این موارد، در آن واحد با چند گفتمان در زمانی محدود، جز از یک امام معصوم ساخته نیست. راهکارهای اساسی که با داشتن بصیرت بالا و شناخت موقعیت، توانمندی امام را در آن برهه زمانی نشان می‌دهد. از جمله فرقه‌هایی که مطالعه گفتمان امام رضا (علیه السلام) با آن‌ها می‌تواند سودمند باشد، فرقه زیدیه است.

در دوران حیات امام رضا (علیه السلام) فرقه زیدیه از انقلابی‌ترین فرقه‌های درون شیعی محسوب می‌شد که مورد تأیید و حمایت امام عصرش نبود و حتی با برخی، ابراز مخالفت شدید هم داشته‌اند (اصفهانی، بی تا: ۱۸۶) این فرقه از پیروان زید بن علی (علیه السلام) است که در دوران امامت امام سجاد (علیه السلام) ظهور کرد. زیدیه در تعظیم اهل بیت (علیهم السلام) با امامیه اتفاق نظر دارند؛ اما درباره واجب اطاعه بودن آنان اختلاف دارند. تنها امام بعد از امام حسین (علیه السلام)، امام رضا (علیه السلام) است که به دلیل حضور امام (علیه السلام) به منصب ولایت عهدی بوده است (فرمانیان، ۱۳۸۶: ۱۹۴) انقلابیون زیدی بدون شناخت مقام امام مفترض الطاعه، با دوری از آموزه‌های ناب اهل بیت (علیهم السلام) و فریبکاری‌های هارون و مأمون در عصر امام رضا (علیه السلام)، اجرای عدالت و قسط و مبارزه با طاغوت را که وظیفه یک «امام» است برای خود می‌دانست.

درباره ضرورت پرداختن به این بحث باید گفت: تعاملات امام رضا (علیه السلام) با فرقه زیدیه به عنوان یک دوست منحرف، به سبب مشترکات اعتقادی فرهنگی، الگوی رفتاری سازماندهی شده‌ای را به دست می‌دهد که کشف عناصر آن در رویکردهای متفاوت اجتماعی به دلیل پیوند عمیق با آیات جاوید وحی، راهگشای همیشگی مسائل نو ظهوری این چنین خواهد بود.

فرقه زیدیه در نگاه دوست منحرف در تمامی رویکردهای امام نسبت به آن‌ها، تعامل و تسامح را در عین هدایتگری به همراه داشته است. از میان رویکردهای مختلف رویکرد جامعه‌شناختی اهمیت بیشتری دارد و خود دارای ابعاد مختلفی است که بعد اجتماعی مسئله، مد نظر این پژوهش است. از این رو، ضمن کشف عناصر رویکردهای جامعه‌شناختی امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با فرقه زیدیه، به طور ویژه در بعد اجتماعی و تطبیق دهی آن، می‌توان به نظریه اجتماعی امام (علیه السلام) در این حوزه نزدیک شد و لایه‌های پنهان گفتمان امام را مشخص کرد.

۲. روش کار

روش کار پژوهش پیش رو به این شکل است که روش پدما به عنوان الگوی زیرساخت اولیه در نظر گرفته شده و با توجه به تحقیقات پیشین نگارندگان (خاکپور و همکاران)، روایات امام رضا (علیه السلام) در برخورد با سران زیدیه به مثابه یک گفتمان در نظر گرفته شده و پژوهشی بینارشته‌ای شکل گرفته است. از این رو، بررسی‌های صورت گرفته بیشتر مربوط به تعاملات اجتماعی امام (علیه السلام) در مواجهه با سران زیدیه است.

۳. مبانی نظری بحث

برای روشن شدن دقیق موضوع و روش کار ابتدا چارچوب نظری بحث بیان می‌شود.

۳-۱. الگوی عملیاتی تحلیل گفتمان پدام

«الگوی عملیاتی تحلیل گفتمان» (PDAM)، روشی عملیاتی از تحلیل گفتمان برای تحلیل متون گوناگون از جمله متون سیاسی و ارتباطی است که با بهره‌گیری از روش نورمن و فرکلاف و توسعه آن ارائه و معرفی شده است. این الگو، در بردارنده سه اصل رهیافت نورمن و فرکلاف با تفسیر جدید، به علاوه دو سطح عمیق و عمیق‌تر است. ضمن این که در آن از مفاهیمی مانند دال مرکزی، دال شناور، عنصر وقته یا لحظه، تخصص، دلالت‌های ضمنی متن، هژمونی، مفصل‌بندی و بینامتنیت که در لاکلا و موفه دیده می‌شود، استفاده شده است.

الگوی عملیاتی تحلیل گفتمانی، بر دو پایه تحلیل لایه‌های سطح متن و عمق متن در پنج بُعد سطح سطح، عمق سطح، سطح عمق، عمق عمق و عمیق‌تر استوار است. «در سطح سطح، یا فوقانی‌ترین لایه متن، ساختار بیرونی و شکل بیان یا نمود گفتمان را می‌توان جست‌وجو کرد. عمق سطح که عمیق‌ترین لایه سطحی متن است، ساختار درونی یا محتوای بیان را در بردارد. در سطح عمق یعنی فوقانی‌ترین سطح از عمق متن، محتوای مشخص متن قرار دارد. انتخاب حوادث داستانی یا خبری یا موضوعات مطرح شده در متن و دلیل این انتخاب، در این لایه از متن واقع شده است. در عمق عمق، ساختارهای کلان واقع شده‌اند. محتوای گفتمان، نقش و کارکرد اجتماعی متن و نقش آن در فرهنگ و دانش اجتماعی فرهنگی مخاطب و بالاخره ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و حتی تاریخی در برگیرنده متن، از جمله ساختارهای کلانی هستند که شکل دهنده این لایه متن یعنی عمق عمق محسوب می‌شوند» (میرفخرایی، ۱۳۸۴: ۲۵) و در مرحله عمیق‌تر، نگاهی کاملاً کلان به متن و رابطه آن با زمینه و فرامتن خواهد شد و محورهای اصلی و جزئیات گفتمان متون استخراج، بررسی و تبیین می‌شود.

سه مرحله سطح سطح، عمق سطح، سطح عمق، به شکل سه محور اساسی ذیل مطرح شده است:

۱. برداشت از اصل متن، ۲. جهت‌گیری و گرایش متن، ۳. تحلیل توجیهی با توجه به

سایر گرایش‌های متن (بشیر، ۱۳۸۵: ۸) به عبارت دیگر، متن به عنوان یکی از بخش‌های اصلی تحلیل، باید مورد توجه و مطالعه جدی قرار گیرد.

«در مرحله بعدی، جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های متن، به شکل جزئی و کلی و با توجه به لایه‌های سطحی و عمیق متن در سطوح مختلف متن، مورد توجه، مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرند» (میرفخرایی، ۱۳۸۴: ۱۴).

مرحله عمق عمق؛ در این شیوه تحلیل پیشنهادی شامل دو مرحله است: ۱. مرحله عمیق ۲. مرحله عمیق تر. اولی برای مرحله نسبتاً کلان عمق عمق که بیانگر روابط بینامتنیت درون و بیرون متن است و دومی، برای مرحله کاملاً کلان عمق است که با تکیه بر ساختارها و اطلاعات مرتبط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، دینی و تاریخی در تلاش است گفتمان حاکم بر متن را با گفتمان‌های بیرون متن (ولی مرتبط با آن) پیوند دهد و مقایسه کند.

به این ترتیب، می‌توان مجموع دو مرحله اول و دوم این الگو (سطح سطح و عمق سطح) را مشابه با مرحله اول الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف یعنی توصیف در نظر گرفت. مرحله سوم این الگو (سطح عمق) را نظیر مرحله دوم الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف یعنی تفسیر ارزیابی کرد و در نهایت مراحل چهارم و پنجم این الگو (سطوح عمیق و عمیق تر) را در چارچوب مرحله سوم الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف یعنی تبیین تعریف کرد. به این ترتیب، مجموع پنج مرحله مزبور تشکیل دهنده تحلیل گفتمانی مد نظر خواهد بود. با چنین شیوه‌ای، می‌توان اطمینان یافت که با هر مرحله از تحلیل، بخشی از معنا در حلقه‌های مختلف، روشن و در نهایت، در مرحله پایانی تحلیل گفتمان، حلقه‌های معنایی مزبور، معنای کامل ارائه شود (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

۲-۳. روش «پدام» در تحلیل متون دینی

در روش تحلیل گفتمان بر پایه پدام دو عنصر «زمینه» یا «بافت» و «فرامتن» نقش اساسی در خلق و کشف گفته‌ها و ناگفته‌ها دارد. بینامتنیت‌ها و گفتمان‌گویی‌ها، اگرچه در

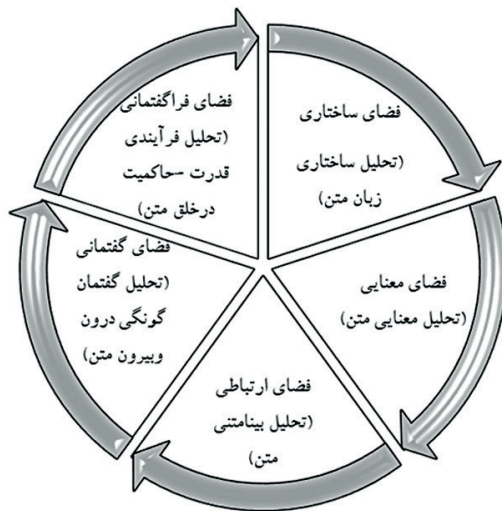
فرایند تحلیل گفتمان بسیار اهمیت دارد، در واقع به عنوان تکمیل کننده رابطه‌ای است که بر اساس مفصل‌بندی‌های ایجاد شده میان درون و بیرون متن استوار است. به عبارت دیگر، بینامتنیت‌های درون و بیرون گفتمانی، بیش از آنکه در تعیین دال‌های اساسی با عناصر محوری گفتمان نقش داشته باشند، در تبیین چگونگی دخالت آن‌ها در خلق معنا و در حقیقت «توسعه معنایی» به‌ویژه در ذهن مخاطبان که اساس کلیه رویکردهای مربوط به «قرائت‌های گوناگون» است، نقش محوری دارند.

برخلاف آنچه در تحلیل متون غیردینی، بحث زمینه، حائز اهمیت اساسی نیست، در تحلیل متون روایی به عنوان مصداقی از متون دینی، بینامتنیت‌های درون‌متنی و بیرون‌متنی، حائز اهمیت اساسی بوده و در حقیقت، می‌توانند به دلیل ثبت نشدن زمینه‌های خلق گفتمان مربوط به روایت‌ها، به مثابه جایگزینی نه کامل بلکه نسبی تلقی شوند. در روش پدما برای تحلیل متون غیردینی، تبیین رابطه متن و فرامتن در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... پنج سطح تعیین شده، اما در تحلیل گفتمان متون دینی، این پنج سطح به پنج فضا نام‌گذاری شده که منعکس کننده «فضای متنی و بینامتنی» مؤثر در خلق گفتمان روایی است. این پنج فضا عبارت است از: ساختاری، معنایی، ارتباطی، گفتمانی و فراگفتمانی. تحلیل و الگوی پیشنهادی نگارندگان بر این روش بیانگر آن است که فضای پیش‌ساختاری نیز باید در تحلیل متون دینی مورد توجه قرار گیرد. پیش‌ساختار خود متکی بر عوامل درونی و بیرونی است. از جمله عوامل درونی آن مبانی اعتقادی و جهان‌بینی امام (علیه السلام) است و از عوامل بیرونی می‌توان بر فضای قدرت، سیاست و عوامل دیگر استوار باشد. ناگفته نماند که عنصر تقیه نیز در برخی موارد نباید فراموش شود. چه بسا گفتمان امام (علیه السلام) بر اصل تقیه، به‌عنوان پیش‌ساختار استوار باشد.

در فضای ساختاری معمولاً زبان، ساختارهای زبانی، روابط دستوری و عوامل مؤثر بلاغی، مورد توجه قرار می‌گیرد. در فضای معنایی معنای زیرین مورد توجه است. این معنا، نه تنها در ظاهر و باطن الفاظ و جمله‌ها نهفته است، بلکه در اجزا و نیز معنای کلی متن پنهان است. فضای معنایی منعکس کننده جهت‌گیری‌های متن برای تحقق اهداف گفتمانی است که مورد توجه قرار می‌گیرد.

در فضای ارتباطی روابط بینامتنی میان ساختار و معنای موجود در متن با ساختارها و معناهای بیرونی متن بررسی می‌شود. کشف این روابط، شاید مهم‌ترین مرحله‌ای است که در تحلیل گفتمان روایی مورد توجه است (بشیر، ۱۳۸۵: ۱۰۱ و ۱۳۹۵: ۲۵).

در فضای گفتمانی شرایط قدرت - حاکمیت که مهم‌ترین عنصر مؤثر در خلق گفتمان روایی است، بررسی می‌شود. این شرایط، تعیین‌کننده رویکرد گفتمانی متون روایی است. در فضای فراگفتمانی می‌توان با رابطه میان «فضای گفتمانی» و «گفتمان روایی» در سطوح هم‌زمانی و در زمانی آشنا شد. این فضا، بیش از آنکه به سطح هم‌زمانی گفتمان توجه داشته باشد، به سطح در زمانی و به عبارت دیگر به فرایند تحول گفتمانی در دوره‌های مختلف توجه دارد. فضای فراگفتمانی، فضای ترسیم‌کننده شرایط قدرت - حاکمیت برای بروز گفتمان‌های مختلف روایی در دوره‌های مختلف است که با کشف این فضای فراگفتمانی می‌توان برای فهم روایت‌های مختلف و تعیین معانی، جهت‌گیری‌ها و اهداف آن‌ها اقدام کرد. این پنج گام در تحلیل متون روایی به روش پدما، فرایندی را ترسیم می‌کند که در سایه آن می‌توان برای تحلیل گفتمانی روایی اقدام کرد. نمودار شماره (۲) نشان‌دهنده این مراحل و معنای هر مرحله برای تحقق این فرایند است.



نمودار (۲): سطوح تحلیل متون روایی

۴. تحلیل رویکرد اجتماعی امام رضا علیه السلام با سران زیدیه

همان طور که مشخص است در این روش، پنج سطح، بحث و بررسی می‌شود. در «فضای ساختاری» به روابط دستور زبانی و عوامل شبیه آن توجه می‌شود و در «فضای معنایی»، معانی زیرین مورد توجه قرار می‌گیرد که منعکس کننده «جهت‌گیری‌های متن» برای تحقق «اهداف گفتمانی» است. از این رو، در پژوهش پیش رو متن گفتاری امام و سران فرقه زیدیه هر کدام به صورت مجزا در جدول‌ها مشخص شده تا تحلیل گفتمان راحت‌تر و دسترسی به لایه‌های مخفی و امکان مقایسه آسان‌تر باشد. با توجه به تعداد بسیار روایات و گستردگی آن‌ها، این شیوه انتخاب شده تا از حجم مقاله کاسته شود و خواننده بتواند به سادگی گفتمان‌های مختلف را با هم مقایسه کند و رویکرد اجتماعی امام علیه السلام نیز برجسته‌تر شود. نکته قابل توجه در تحلیل گفتمان معصومین این است که باید به فضای پیشاگفتمان نیز توجه کرد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹). این نکته‌ای است که در روش پدما به آن توجه نشده است. فضای پیشاگفتمان مجموعه عواملی است که رویکرد امام علیه السلام را در گفتمان شکل می‌دهد. مبانی فکری، اعتقادی و ... از جمله مهم‌ترین آن‌هاست. به عنوان نمونه در پژوهش پیش رو مبانی اعتقادی زیدیه که از سوی امام رضا علیه السلام در گفتمان با آن‌ها به چالش کشیده شده است، از فضای پیشاگفتمان شمرده می‌شود.

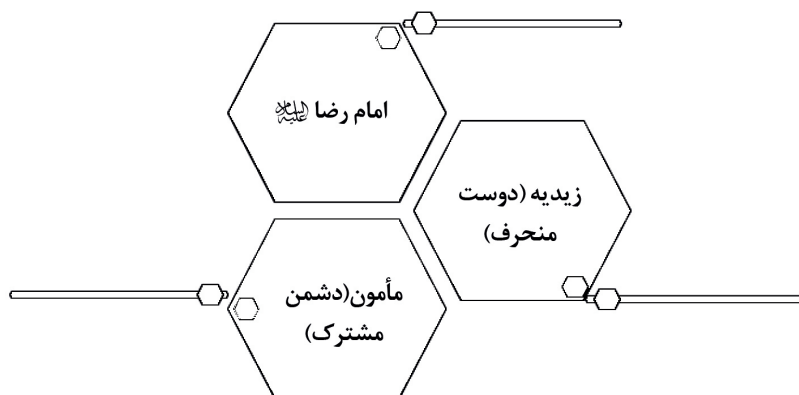
۴-۱. ارتباط‌شناسی گفتمان امام رضا علیه السلام با زیدیه (فضای ارتباطی)

ارتباطات طبق مکاتب مختلف تعریف می‌شود و هر کدام از آن‌ها اهدافی را دنبال می‌کند. نظریه‌پردازی در این موضوع نیز با توجه به مکاتب مختلف، دستاوردهای متفاوتی داشته است. امروزه با پیشرفت ارتباطات، با وجود رسانه‌های جمعی، ارتباطات، تأثیرات عمیقی بر مناسبات اجتماعی و روابط انسانی داشته است (شوتس ایشل، ۱۳۹۱: ۱۵) از این رو، در دسته‌بندی انواع ارتباطات اجتماعی، عناصر ارتباطی، ابزارآلات ارتباطی و وظایف آن‌ها و ... تعاریف و اندیشه‌های بسیاری چون مک لوهان، رایزمن، تونیس، لاسول، کولی، لیپمن

و مارکس و ... شاهد هستیم که خطاها و نواقص زیادی دارند (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۷۹۵).

بر این اساس در جهت گیری اسلامی به این علم، باید به علوم اسلامی مراجعه کرد و با تبیین اصول و مبانی الهی آن، به نظریه‌های هدفمند الهی رسید. امروزه نظریه‌های ارتباطات، اساس تمام تجربیات انسانی است که اهداف آن‌ها از پیش تعیین شده و تنها با شناختی از تاریخ و تجارب گذشتگان به دست آمده است که در برخی موارد، به نکات قابل قبولی رسیده (نه اصل حقیقت) و گاهی نیز از نظر فرهنگی مورد تایید تمام اقوام و ملیت‌ها نیست. گفتمان‌های صورت گرفته بین امام رضا (علیه السلام) و زیدیه، با نظر با دو عنصر گفتمانی امام رضا (علیه السلام) و افراد زیدی اعم از رهبران قیام‌ها، عامه و دانشمندان است؛ اما از آنجا که تأثیر حکومت وقت (قدرت) در قیام‌های زیدی نقش اولیه را دارد، عنصر گفتمانی شخصیت مأمون عباسی نیز وارد عناصر خلق گفتمان شده و سه شاخه گفتمانی را در این شبکه ترسیم می‌کند:

نمودار (۲): عناصر خلق گفتمان اجتماعی رضوی با فرقه زیدیه.



۴-۲. تحلیل فضای ارتباطی

در فضای ارتباطات، روابط بینامتنی میان ساختار و معنای موجود در متن با ساختارها و معانی بیرونی متن بررسی می‌شود. کشف این روابط مهم‌ترین مرحله محسوب می‌شود که در تحلیل گفتمانی روایی مورد توجه است (بشیر، ۱۳۹۲: ۷۳) در پژوهش پیش رو، با

روش تحلیل گفتمان روایت‌های امام رضا (علیه السلام) با شخصیت‌های مطرح شده در تاریخ در روش پدام، به تحلیل دقیق‌تری از روابط صحیح انسانی با رویکردی اسلامی می‌رسیم که با عنوان رویکردشناسی اجتماعی مطرح شده است. با تأمل در کتاب‌های رجالی شیعه، مثل رجال کشی، عیاشی، ابن غضائری، حلی و معجم الرجال خویی و دقت در کتاب‌های تاریخی، در کنار تأمل در کتاب‌های روایی شیعه، به شخصیت‌های اصلی زیدیه یعنی رهبران قیام‌ها و اندیشمندان آن‌ها دست می‌یابیم. نکته قابل تأمل این است که در متن پیش رو روایت را به مثابه گفتمان در نظر گرفته‌ایم و اگرچه به منابع تاریخی هم مراجعه شده است؛ اما منبع اصلی با توجه به نوع کار، کتاب‌های اصیل روایی شیعه است. از این رو، نقش کتب اربعه شیعه و کتاب‌های رجالی اصیل پررنگ‌تر است. با توجه به مطالب پیش گفته، طبق بررسی‌های انجام‌شده، کنش شخصیت‌های برجسته زیدیه روشن می‌شود. پس از آن، به رویکردشناسی رفتار امام (علیه السلام) پرداخته شده است.

جدول (۲): تحلیل فضای ارتباطی گفتمان رضوی، عباسی با زیدیه

متن گفتاری - رفتاری زیدیه	تحلیل گفتمان زیدیه	متن گفتاری - رفتاری امام رضا (علیه السلام)	تحلیل گفتمان امام (علیه السلام)	متن گفتاری - رفتاری مأمون	تحلیل گفتمان مأمون
(در قیام ابن طباطبا) اگر از امام رضا (علیه السلام) نیز بیعت گرفته شود... امر ما یکی می‌شود (ما نیز می‌آییم!)...	-تطمیع امام (علیه السلام) برای جذب نیرو. -عدم اعتبار رهبران در بین خاندان‌نشان و سایر مردم. -بی بصیرتی و گمراهی رهبران	-امام (علیه السلام) ... پس از ۲۰ روز نزد شما خواهیم آمد... - (۱۸ روز بعد در حال فرار زیدیان): ... ۲۰ روز گذشت یا نه!...	-بی اعتنائی. -عدم ارشاد. -صبر و انتظار. -دوری از اتهام و توهین از طرف زیدیه و عدم حرف شنوی از آنان در جریان برپایی قیام‌ها ^۲	-واگذاری امور جنگ با شورشیان به فضل بن سهل و دخالت نکردن در آن‌ها	-نبود اطمینان قلبی به دوستی با علویان ایران ^۱

<p>- اظهار دوستی و انعطاف پذیری و خیر خواهی برای دشمن نسبی.</p> <p>- ریاکاری در همه امور.</p> <p>- دخالت دادن امام (علیه السلام) به عنوان فردی مقبول دو طرف، برای کنترل بهتر اوضاع.</p>	<p>- (زیر نعلش او راه می رفت) می گفت: این رجم من است... (۳۰ هزار دینار قرض دیباج را پرداخت)².</p> <p>- فرستادن امام رضا (علیه السلام) برای پایان جنگ⁴.</p>	<p>- نصیحت و گوشزدن افرجامی قیام.</p> <p>- دوری از ارتباط با مدعی دروغگو (دیباج).</p> <p>- اظهار ابراز تنفر از مدعی دروغگو.</p> <p>- دعوت به هدایت و راستی او تا آخرین لحظه.</p> <p>- بریدن پیوند خویشاوندی با مدعی دروغگو.</p> <p>- تلاش برای حفظ جان مدعی دروغگو تا آخرین لحظه.</p> <p>- قبول وساطت بین دوست نادان و دشمن.</p>	<p>- ای عموا پدر و برادر خود را تکذیب مکن که این امر تمام نمی شود...⁵</p> <p>- من با خود عهد کردم که با او (عمویش) زیر یک سقف نباشم. اگر رفت و آمد نداشته باشیم و او درباره من چیزی بگوید گفته اش مورد قبول مردم نمی شود.⁶</p> <p>- به نزد محمد برو و بگو فردا قیام نکند... زیرا شکست می خورد و یارانش کشته می شوند.⁷</p>	<p>- استفاده از سمت الهی برای تجمع نیرو بیشتر.</p> <p>- دعوت به خلافت خود.</p> <p>- ناتوانی در کنترل قیام.</p> <p>- بی وفایی و فسق نیروها.⁸</p>	<p>- او خود را امیر المومنین خواند.⁹</p> <p>- (چشمش آسیب دید) گفت: امیدوارم مهدی قائم باشم...¹⁰</p> <p>- (بعد شکست در نبرد با مأمون، سیاه پوشید) گفت: خلافت از آن مأمون است و من در آن حقی ندارم.¹¹</p>
---	--	--	---	---	---

<p>- فرصت طلبی در ابراز حسن نیت.</p> <p>- مغلطه‌گری کردن.</p> <p>- ریاکاری.</p> <p>- استفاده نکردن از مسائل تنش‌زا با علویان و در رأس با امام <small>(علیه السلام)</small>.</p> <p>- استفاده از مقام نسبی با امام رضا <small>(علیه السلام)</small> برای یکی معرفی کردن اهداف حکومتش</p>	<p>- (زید را به توصیه امام رضا <small>(علیه السلام)</small> آزاد کرد)^{۱۲}.</p> <p>- (قیام زیدالنار را با قیام زید بن علی در هدف یکی بیان کرد)^{۱۳}.</p>	<p>- بصیرت افزایشی امام <small>(علیه السلام)</small>.</p> <p>- انتقاد از مغلطه حق و باطل مأمون.</p> <p>- توضیح و تبیین انحرافات و اشتباهات زید و مأمون.</p> <p>- برائت و مخالفت با اصول غیر اخلاقی قیام زید.</p>	<p>- شرط رسیدن به پاداش ... اطاعت از خداست^{۱۴}</p> <p>- تو وقتی برادر منی که خدا را اطاعت کنی ...^{۱۵}</p> <p>- خدا تنها آتش جهنم را بر فرزندان فاطمه، حسن و حسین حرام نموده و شامل حال تو نیست.^{۱۶}</p> <p>- (مثل تو مثل پسر نوح است) بنابراین به سبب نافرمانی خدا او را از خاندان نوح بیرون کرد!^{۱۷}</p> <p>- زید (ابن علی <small>(علیه السلام)</small>) مردم را به "الرضا من آل محمد" دعوت می‌کرد و اگر پیروز می‌شد البته به آنچه مردم را دعوت می‌کرد، وفا می‌نمود.^{۱۸}</p>	<p>- ریاست طلبی و سلطه جویی رهبران.</p> <p>- خشونت طلبی و انتقام جویی در قیام‌ها.</p> <p>- سفله‌گری رهبر قیام</p>	<p>- من برادر و فرزند پدر تو هستم.^{۱۹}</p> <p>- (به آتش کشیدن منازل و خود عباسیان).^{۲۰}</p> <p>- (ترویج افکار سفله اهل کوفه) ...^{۲۱}</p>
---	--	--	--	---	---

تحلیل فضای ارتباطی در گفتمان امام به روشنی موضع و رویکرد اجتماعی امام در هر مورد را مشخص می‌کند. به عنوان نمونه در مسئله قیام ابن طباطبا، گستردگی این قیام و حضور برادران حسود امام (علیه السلام) در قیام (زید، ابراهیم، اسماعیل) موجب این رفتار امام (علیه السلام) شده است. خشونت و بی‌رحمی یکی از مهم‌ترین عقاید آنان بود، چنانکه زید به زیدالنار (به خاطر به آتش کشیدن عباسیان) و ابراهیم به جزار (قصاب) مشهور شدند و بسیاری از مردم از آنان روی گردانیدند (اصفهانی، بی تا: ۵۳۴؛ طبری، ۱۳۵۳، ج ۴: ۱۲۳۴؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۶: ۱۱۲-۱۱۴؛ اللیثی، ۱۳۸۵: ۳۴۵). تحلیل گفتمان اجتماعی مامون در همین مسئله، نشان می‌دهد که وی دریافت که نه تنها در میان فرزندان پدر بلکه در میان اعراب و علویان هم اعتباری ندارد (نیای رشتخوار، ۱۳۸۹: ۱۳۵). در سایر موارد همان طور که در جدول‌ها مشخص است، به استخراج و تحلیل گفتمان‌ها پرداخته‌ایم.

۴-۳. فضای گفتمان روایی عناصر خلق گفتمان و تحلیل آن

برای تحلیل درست فضای گفتمان روایی عناصر خلق گفتمان، ابتدا به تفکیک گفتمان‌ها می‌پردازیم. به طوری که گفتمان امام رضا (علیه السلام) با هر کدام از سران زیدیه، مامون با این افراد و گفتمان امام با مامون به صورت دو به دو و مجزا از درون گفتمان روایی استخراج شده است. در این مسیر هم از منابع روایی اصیل شیعه و هم کتاب‌های معتبر تاریخی استفاده کرده‌ایم. پس از این کار اقدام به تحلیل بینامتنی گفتمان‌ها کرده‌ایم.

در گام سوم، مولفه‌گیری با توجه به گفتمان روایی و تحلیل بینامتنی گفتمان صورت پذیرفته است. این کار تا حد زیادی رویکرد اجتماعی امام (علیه السلام) را روشن می‌سازد. با توجه به حجم قابل توجه گفتمان‌های روایی، مطالب پس از استخراج به طور خلاصه در جدول ذیل قابل مشاهده است. مراجع و مستندات گفتمان روایی و برخی توضیحات در پانوشته ذکر شده است.

جدول (۳): تحلیل فضای گفتمان روایی عناصر خلق گفتمان رضوی، عباسی وزیدی.

	تحلیل بینامتنی گفتمان‌ها (مولفه‌گیری)	شخصیت‌ها (دو به دو)
<p>قدرت طلبی، تطمیع برای جذب طرفدار^{۲۲}، بی بصیرتی^{۲۳}، بی اعتباری^{۲۴}، کینه توزی^{۲۵}.</p>	<p>بی اعتنائی^{۲۶}، عدم برخورد مستقیم^{۲۷}، فاصله‌گیری و عدم اظهار نظر برای حفظ احترام و شخصیت خود.^{۲۸} توجه کردن به درخواست‌ها در حد شنیدن.</p>	<p>امام (علیه السلام) ابن طباطبا.</p>
<p>خشونت طلبی، خون خواهی^{۲۹}، بی بصیرتی، سلطه طلبی^{۳۰}، خونریز، جانر، فاسق، برتری جو^{۳۱}.</p>	<p>شبهه‌زدایی^{۳۲}، حق‌مداری^{۳۳}، براءت از امور غیر اخلاقی^{۳۴}، خدامحوری بجای قوم‌گرایی^{۳۵}، شجاعت، بصیرت‌زایی^{۳۶}، واسطه‌گری برای حفظ جان منحرف^{۳۷}، مخالفت مستقیم با عقاید منحرف^{۳۸}.</p>	<p>امام (علیه السلام) زیدالنار</p>
<p>خود رأیی^{۳۹}، فریب کاری، قدرت طلبی، دروغ‌گویی، برتری جویی، بی بصیرتی، بی خردی نظامی^{۴۰}، عدم استقامت در برابر فشارها و بی ثباتی اعتقادی^{۴۱}، جو زدگی^{۴۲}.</p>	<p>نصیحت و ارشاد^{۴۳}، واقع‌نگری^{۴۴}، قطع ارتباط با مدعیان دروغ پرداز^{۴۵}، امید داشتن به توبه خطاکار و منحرف. واسطه‌گری در حفظ جان^{۴۶}.</p>	<p>امام (علیه السلام) دیباج</p>
<p>خون خواهی، قدرت طلبی، شورشگری، کینه‌توزی^{۴۷}.</p>	<p>عدم اعتماد به علویان، تطمیع نیروها برای حفظ حکومت، بی توجهی به درخواست‌های قیام کنندگان^{۴۸}.</p>	<p>مأمون- ابن طباطبا</p>
<p>بی بصیرتی، ترسو، جو زدگی، خود محوری بی ثباتی اعتقادی، ساده لوحی، عدم شناخت دشمن^{۴۹}.</p>	<p>قوم‌گرایی، ریاکاری و اظهار خیر خواهی، عفوریایی، شناخت کامل دشمن^{۵۰}.</p>	<p>مأمون- دیباج</p>

مأمون - زیدالنار	قوم گرایی، اظهار دوستی، مغلطه گری، ریاکاری، فرصت طلبی برای مقبول افتادن در اذهان و ثبوت حکومتش، عفورایی، شناخت کامل دشمن ^{۵۲} .	بی بصیرتی، ترسو جودزگی، خشونت طلبی، خود محوری، ظاهر سازی، قدرت طلبی، خون خواهی ^{۵۱} .
امام (علیه السلام) - مأمون	واسطه گری برای زیدیه، افشاگری ^{۵۸} ، نصیحت و ارشاد ^{۵۹} ، مشاوره، خنثی سازی ^{۶۰} .	نفاق ^{۵۳} ، فریبکاری ^{۵۴} ، ستمگری ^{۵۵} ، تخریب شخصیت و برچسب زدن ^{۵۶} ، تهاجم فرهنگی فکری ^{۵۷} ، سلطه طلبی.
امام (علیه السلام) - عامه و عالمان.	بصیرت افزایی، در دسترس قرار دادن علوم ناب و سالم اسلامی ^{۶۲} ، دعوت به امامت خود، شبهه زدایی، ابراز کرامت، دعوت به تقیه، اخلاق مداری، ترویج فرهنگ اسلامی، توجه به امور معیشتی.	مشتبه شدن، اسناد خواهی در قبول حقیقت ^{۶۱} ، پرسش گری، حقیقت طلبی، کسب تکلیف، تسلیم شدن بر حق یا کتمان و عدم پذیرش حق، فقر.

امام رضا (علیه السلام) در گفتمان های اجتماعی مربوط به عامه و دانشمندان، با طرح مباحث توحید، امامت و ولایت، و پاسخ به پرسش ها و شبهه ها، رهنمودهای رفتاری ارزشمندی از خود به جای گذاشته اند. این گفتمان ها نیز به طور قطع، به طور غیر مستقیم، متأثر از عنصر سوم گفتمان (مأمون عباسی) بوده است که به صورت جداگانه بررسی می شود.

موضوع پرسش ها شامل موارد ذیل می شود: پرسش از عقل، دانش، ایمان، شناخت خدا، قضا و قدر، نبوت (عام و خاص)، عصمت انبیا، قرآن و تفسیر برخی آیات، مرگ و قیامت، بهشت و دوزخ، شناخت اهل بیت (علیهم السلام)، امامت (عام و خاص)، اثبات امامت ایشان، آموزه های عبادی، حکمت های اخلاقی و عملی (ظاهر انسان) و توصیه های پزشکی و بهداشتی، رهنمودهای اقتصادی و... که توسط مردم، عالمان دینی و مذهبی یا دشمنان ایشان، مطرح می شد. امام رضا (علیه السلام) هم با سعه صدر به آن ها پاسخ می گفتند.

با توجه به اینکه در موضوعات پیش گفته مخاطب شناسایی نمی‌شد یا زیدی بودنش قطعی نبود، تأثیرش را به طور غیر مستقیم، بر بحث مطالعه می‌کنیم. به عبارت دیگر، رفتار امام (علیه السلام) را بر علویان خراسان که اکثر آنان زیدی بودند و اهل قیام، تعمیم می‌دهیم. از این روشناسایی این مولفه‌ها، به رویکردشناسی گفتمان امام (علیه السلام) با زیدیه کمک می‌کند.

۴-۴. رویکردها و مولفه‌های گفتمان اجتماعی امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با زیدیه

پس از تحلیل فضای گفتمانی عناصر خلق گفتمان و اسناددهی مولفه‌های برداشت شده به گفتمان امام (علیه السلام) با زیدیه (دوست منحرف) و مأمون (دشمن مشترک)، برای رسیدن به سطح بعدی یعنی فضای فراگفتمانی، به دسته‌بندی رویکردها و مولفه‌های گفتمان امام (علیه السلام) با زیدیه می‌پردازیم و از رهگذر آن مولفه‌های مطرح شده در هر کدام از این گفتمان‌ها نیز ترسیم می‌شود.

جدول (۴): رویکردها و مولفه‌های گفتمان امام رضا (علیه السلام) با زیدیه و مأمون.

رویکرد اعتقادی	امام شناسی - تصحیح مشترکات اعتقادی (توحید - قرآن - اهل بیت (علیهم السلام)).
رویکرد فرهنگی	آزاد اندیشی - خودباوری - حقیقت طلبی - مهدویت گرایی.
رویکرد اجتماعی	دین گرایی - دینی سازی.
رویکرد تاریخی	اصالت‌مداری امامت اهل بیت (علیهم السلام).
رویکرد سیاسی	حق امامت اهل بیت (علیهم السلام) تا قیامت - مبارزات منفی با غاصبان و مدعیان امامت. حفظ امت واحده.
رویکرد اخلاقی	جذب حداکثری - دفع حداقلی.
رویکرد اقتصادی	دین گرایی اقتصاد - اولویت بندی نیازمندی‌ها - عمل گرایی مسئولان.

فرهنگ‌سازی علوم- توسعه‌طلبی علمی- ظرفیت‌سازی تکثیر علوم- برتری طلبی علمی- تولید علم- مدیریت اخلاق مناظرات- تحدی گرایي.	رویکرد علمی
ولایت محوری سلوک توحیدی.	رویکرد عرفانی
امام محوری کائنات- لدنی بودن علم امام- نص‌گرایی امامت- امامت محوری اصول دین- واجب‌الاطاعه بودن امام.	رویکرد معرفتی

۴-۵. تحلیل فضای فراگفتمانی

در تحلیل فضای فراگفتمانی در روش تحلیل گفتمان پدما، بهتر می‌توان محوریت موضوع گفتمان را پیدا و جمع‌بندی کرد. در فضای فراگفتمانی، گفتمان حاکم بر متن با گفتمان‌های مرتبط بیرونی پیوند می‌خورد. این گفتمان خارج از متن به دنبال گفتمان‌های مشابه و مرتبط با گفتمان حاکم است؛ روابط گفتمان داخل متن و فراگفتمان‌های داخل متن، سطح تحلیل را عمیق‌تر می‌کند و به معنای خارج از متن می‌رسیم که با زمینه‌های مختلف و گفتمان‌های گوناگون بیرونی مرتبط است (ر.ک: بشیر، ۱۳۹۵: ۵).

جدول (۵): رویکرد شناسی محورهای فراگفتمان اجتماعی امام رضا (علیه السلام) با زیدیه و مأمون

امام‌شناسی - تصحیح مشترکات اعتقادی (توحید- قرآن- اهل بیت (علیهم السلام)).	رویکرد اعتقادی
آزاداندیشی - خودباوری - حقیقت‌طلبی - مهدویت‌گرایی.	رویکرد فرهنگی
دین‌گرایی-دینی‌سازی.	رویکرد اجتماعی
اصالت‌مداری امامت اهل بیت (علیهم السلام).	رویکرد تاریخی
حق امامت اهل بیت (علیهم السلام) تا قیامت- مبارزات منفی با غاصبان و مدعیان امامت. حفظ امت واحده.	رویکرد سیاسی
جذب حداکثری- دفع حداقلی.	رویکرد اخلاقی

رویکرد اقتصادی	دین‌گرایی اقتصاد- اولویت‌بندی نیازمندی‌ها- عمل‌گرایی مسئولان.
رویکرد علمی	فرهنگ‌سازی علوم- توسعه‌طلبی علمی- ظرفیت‌سازی تکثیر علوم- برتری طلبی علمی- تولید علم- مدیریت اخلاق مناظرات- تحدی‌گرایی.
رویکرد عرفانی	ولایت‌محوری سلوک توحیدی.
رویکرد معرفتی	امام‌محوری کائنات- لدنی بودن علم امام- نص‌گرایی امامت- امامت‌محوری اصول دین- واجب‌الاطاعه بودن امام.

بحث و بررسی

محورهای اساسی خلق گفتمان امام رضا (علیه السلام) با سران فرقه زیدیه، به عنوان دوست منحرف در مقابل دشمن مشترک (مأمون) با هدف روشنگری و هدایت صورت پذیرفته است؛ اما محورهای اساسی در خلق گفتمان رضوی با مأمون، با هدف تبیین اهداف و نیات او و سازش‌ناپذیری با اوست که البته گاهی با تقیه در اظهار نظر امام (علیه السلام)، همراه بوده است که در جدول (۳) و (۴)، ضمن تحلیل گفتمان‌ها، به محورهای آن نیز اشاره شد.

دال‌های مرکزی رویکردهای اجتماعی امام رضا (علیه السلام) به روشنی گواه این مطلب است که رفتار و گفتار سنجیده امام (علیه السلام) در مواجهه با زیدیه، برخاسته از نظرگاه جامعه‌شناختی صحیح است که می‌تواند به عنوان الگوی گفتمانی رفتاری در مواجهه با هر منحرفی به کار رود. از مهم‌ترین رویکردهای جامعه‌شناختی برای مواجهه با فرقه زیدیه، رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی است که می‌تواند گفتمان اجتماعی امام با این فرقه را مورد تحلیل قرار دهد. در رویکرد اعتقادی دو محور امام‌شناسی و تصحیح مشترکات اعتقادی، نقش بسیار مهمی دارد و هر کدام دارای دال‌های مرکزی خود است. محور «امام‌شناسی» به عنوان مهم‌ترین محور گفتمان امام (علیه السلام) در رویکرد اعتقادی با چهار دال مرکزی مهم تبیین شده است:

۱. امام مفترض الطاعه است.

۲. امامت به انتصاب خداوند است (به نص).

۳. امام عصمت دارد.

۴. امام ظالم نیست.

در حقیقت امام (علیه السلام) با تاکید بر این چهار دال مرکزی، تلاش کردند تا سران زیدیه را به این شناخت برسانند که قیام‌های آنان چیزی جز تجاوز، ظلم و گمراهی از مسیر حق نیست. بر این اساس به سبب وجود دشمن مشترک (مأمون)، گفتمان را غالباً به نحو «مسالمت آمیز» و با «حفظ دوستی» ادامه دادند. البته در مواردی که فرد متجاوز است گفتمان امام تفاوت می‌کند. به عنوان نمونه امام (علیه السلام) در مواجهه با زید النار که تجاوز به جان و مال مردم را جایز شمرده بود، بسیار قاطع برخورد نمودند.

تحلیل گفتمان اجتماعی امام رضا (علیه السلام) در محور «تصحیح مشترکات اعتقادی» ما را به سه دال مرکزی رهنمون می‌سازد:

۱. توحیدی (پرستش خدای واحد و مشترک)؛

۲. قرآن (کتاب مشترک آسمانی)؛

۳. قبول داشتن اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان نسلی از حضرت فاطمه (علیها السلام).

امام (علیه السلام) با تبیین جایگاه توحید و امامت و بیان ارتباط تنگاتنگ آنان با یکدیگر و تأیید آن با آیات کریمه قرآن و به رفع شبهات اعتقادی زیدیه اقدام کردند. امام (علیه السلام) از سوی دیگر به ترویج احکام و آرا ناب محمدی از اجداد مطهرشان پرداختند. امام (علیه السلام) در این رویکرد به تصحیح و اظهار اشتباهات زیدیه اقدام نموده و از ارتباطی استفاده می‌کنند که موجب اتحاد و قدرت دوستان می‌شود و دشمن مشترک را زمین گیر و نابود می‌کند. در رویکرد اجتماعی، محور «دین‌گرایی و دینی‌سازی» بسیار فعال است. به عبارت

دیگر، امام علیه السلام در گفتمان رفتار خویش به گونه‌ای عمل کردند که رفتارهای اجتماعی را به درجه‌ای از استاندارد شیعه اثناعشری برسانند که بتواند در مسیر رشد رفتارهای دینی قرار گیرد و در نهایت به تمدن اسلامی منجر شود.

این محور را می‌توان در چهار دال مرکزی مشاهده کرد:

۱. تقوا پیشگی

۲. حفظ حق الناس

۳. ایثار و فداکاری

۴. خدمات رسانی

امام رضا علیه السلام با توجه ویژه به بیان نکات مهم سبک زندگی در خانواده و جامعه اسلامی پرداختند. از ثبت بیشترین احادیث اجتماعی در دوره صدیقین علیهم السلام و امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد که هویت بخشی دینی جامعه برای ایجاد یک تمدن اسلامی با اولویت بسیار، مورد توجه امامان علیهم السلام بوده است.

رویکرد فرهنگی با چهار محور مهم در رفتار (گفتمان) امام رضا علیه السلام در مواجهه با زبیدیه، همراه است:

۱. آزاد اندیشی

۲. خود باوری

۳. حقیقت طلبی

۴. مهدویت گرایی

آزاد اندیشی یکی از بهترین و مهم‌ترین راه حل‌های مقابله با تهاجمات فرهنگی در عصر امام رضا علیه السلام به شمار می‌رود. گفت‌وگوی ادیان، مناظرات علمی و اعتقادی و ... درمان

خوبی بود برای زیدیه‌ای که انحراف اعتقادی داشتند و آماج تهاجمات فرهنگی سایر ادیان و مذاهب هم قرار گرفته بودند. پیروزی‌های امام رضا (علیه السلام) در مناظرات و برتری علم ایشان بر سایر اصحاب علم، مسیر خودباوری اجتماعی را رشد داد و سیر خونریزی‌های معترضان حکومتی را در زیدیه تنزل بخشید. این برتری امام (علیه السلام)، زیدیه را صبور کرد تا به جای خونریزی به مقام حکومتی ایشان (ولایت عهدی) بیشتر توجه کنند. از این رو، کشف حقیقت برای آنان با اهمیت‌تر شد. زیدیه در طلب حقیقت به جلسات پرسش و پاسخ و مناظرات مراجعه می‌کردند تا جایی که انتشار عقاید درست مهدوی توسط امام رضا (علیه السلام)، صبر و انتظار را برای زیدیه معنا بخشید. در نتیجه، قیام‌هایی که بر اساس ظلم‌ستیزی انجام می‌شد، با این کار مهم، کمتر شد.

نتیجه‌گیری

خلق گفتمان‌های امام رضا (علیه السلام) گنجینه‌ای از علوم است که دال‌ها و عناصر رویکردهای آن، در امور فردی و اجتماعی، می‌تواند دقیق‌ترین تحلیل‌ها را به ثمر آورد. تحلیل فضای گفتمان امام نشان می‌دهد که این امام همام با تبیین جایگاه توحید و امامت و بیان ارتباط تنگاتنگ آنان با یکدیگر و تأیید آن با آیات کریمه قرآن، به رفع شبهات اعتقادی زیدیه اقدام کردند. امام در این رویکرد اجتماعی اعتقادی خود به تصحیح اشتباهات زیدیه اقدام و از ارتباطی استفاده می‌کنند که موجب اتحاد و قدرت دوستان و ضعف دشمن مشترک شود.

در رویکرد اعتقادی دو محور: امام‌شناسی و تصحیح مشترکات اعتقادی، نقش بسیار مهمی دارد و هر کدام دارای دال‌های مرکزی خود است. محور «امام‌شناسی» به عنوان مهم‌ترین محور گفتمان امام در رویکرد اعتقادی، با چهار دال مرکزی مهم تبیین شده است. در حقیقت امام (علیه السلام) با تأکید بر این چهار دال مرکزی، تلاش کردند تا سران زیدیه را به این شناخت برسانند که قیام‌های آنان چیزی جز تجاوز، ظلم و گمراهی از مسیر حق نیست. بر این اساس به سبب وجود دشمن مشترک (مأمون)، گفتمان را غالباً به

نحو «مسالمت‌آمیز» و با «حفظ دوستی» ادامه دادند. البته در مواردی که فرد متجاوز است گفتمان امام تفاوت می‌کند. در رویکرد اجتماعی امام (علیه‌السلام)، محور «دین‌گرایی و دینی‌سازی» بسیار فعال است. به عبارت دیگر امام (علیه‌السلام) در گفتمان رفتار خویش به گونه‌ای عمل کردند که رفتارهای اجتماعی را به درجه‌ای از استاندارد شیعه اثناعشری برسانند که بتواند در مسیر رشد رفتارهای دینی قرار گیرد و در نهایت به تمدن اسلامی منجر شود.

پی نوشت ها

۱. مامون دریافت که نه تنها در میان فرزندان پدر بلکه در میان اعراب و علویان هم اعتباری ندارد. (نیای رشتخوار، ۱۳۸۹: ۱۳۵).
۲. اصفهانی، بی تا: ۵۳۴؛ طبری، ۱۳۷۳: ۴؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰: ج ۶: ۱۱۲-۱۱۴؛ مختار اللیثی، ۱۳۸۵: ۳۴۵.
۳. تشید، ۱۳۸۵: ۱۴۲.
۴. او سخنان امام (علیه السلام) را قبول نکرد و یارانش قلع و قمع شدند و شکست خورد (اصفهانی، بی تا: ۴۴۰-۴۴۱).
۵. اربلی، ۱۴۰۵: ج ۳: ۹۴.
۶. صفار قمی، ۱۳۹۱: ج ۱: ۲۲۶؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳: ج ۱: ۲۲۱.
۷. ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲: ۲۰۷؛ اربلی، ۱۴۰۵: ج ۲: ۳۰۰.
۸. طقوش، ۱۳۸۰: ۱۳۲.
۹. گفتمان مربوط به محمد دیباج است (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۱۰).
۱۰. اصفهانی، بی تا: ۵۳۹.
۱۱. اربلی، ۱۴۰۵: ج ۳: ۹۳-۹۴.
۱۲. ابن بابویه، ۱۳۶۳: ج ۲: ۲۳۴.
۱۳. ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲: ۲۳۳.
۱۴. همان: ۱۰۴.
۱۵. ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳۶۱.
۱۶. ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲: ۲۳۴.
۱۷. فیاض، ۱۳۸۲: ۱۷۹.
۱۸. ابن بابویه، ۱۳۶۳: ج ۱: ۲۵۷-۲۵۹.
۱۹. گفتمان مربوط به زید النار است (همان).
۲۰. همان، ج ۲: ۲۳۴؛ طبری، ۱۳۵۳: ج ۸: ۵۳۵.
۲۱. ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲: ۲۳۵.
۲۲. ابوالسرایا این قیام را به نام: «ابن طباطبایا» و «رضای آل محمد» و «عمل به کتاب و سنت»، دعوت می کرد؛ بعد پیروزی مناطقی به فرماندهان لشکرش که از برادران امام (علیه السلام) نیز بودند واگذار شد، ابراهیم، اسماعیل و زید برای یمن، فارس، اهواز، و ... (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۶: ۳۰۵؛ ابن خلدون، ۱۹۶۱، ج ۴: ۸؛ شامی، ۱۳۶۷: ۸۷۵).
۲۳. بی بصیرتی از اوصاف تمام زیدیان و عامه است که بدون توجه به واقعیت اوضاع و شرایط دست به قیام و کشتار بی فایده و حتی بی برنامه می زدند و در دستان عباسیان له می شدند (مجلسی، ۱۴۰۲: ج ۱۴: ۹۱۳).
۲۴. ابوالسرایا از علویان نبود، لذا مردم به خاطر ابن طباطبایا و بعد از او محمدبن جعفر (علیه السلام) حمایت شان را داشتند، ابوالسرایا از فرماندهان معترض عباسی بود که از آنان جدا شده بود. از طرف دیگر خشونت طلبی های بعدی افرادی چون زیدالنار، ابراهیم جزار و بی احترامی هواداران ابوالسرایا به مکه و خانه خدا و ... باعث دور شدن مردم و ناراحتی از آنان شد (الیثی، ۱۳۸۵: ۳۵۱-۳۵۳).
۲۵. ابن طباطبایا به سبب توهینی که از طرف بنی اعمام شد و قیامش را در هنگام بیعت گرفتن نصرین شیبب برای او، به هم زدند اظهار عدم رضایت کرد و در حال غضب اشعاری بیان کرد؛ از طرف دیگر اختلاف بین ابن اطباطبایا و ابوالسرایا نیز در تاریخ ثبت شده که به مرگ ابن طباطبایا منجر شده است که می توان برداشت کینه توزی ابوالسرایا را داشت (اصفهانی، بی تا: ۴۷۸-۴۷۹؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰: ج ۴: ۱۴۹).
۲۶. ابن طباطبایا به سبب توهینی که از طرف بنی اعمام شد و قیامش را در هنگام بیعت گرفتن نصرین شیبب برای او، به هم زدند اظهار عدم رضایت کرد و در حال غضب اشعاری بیان کرد؛ از طرف دیگر اختلاف بین ابن اطباطبایا و ابوالسرایا نیز

در تاریخ ثبت شده که به مرگ ابن طباطبای منجر شده است که می‌توان برداشت کینه‌توزی ابوالسرایا را داشت (اصفهانی، بی تا: ۴۷۸-۴۷۹؛ ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۴: ۱۴۹).

۲۷. عدم مخالفت مستقیم امام (علیه السلام) بر خلاف رفتار ایشان بود که تنها در این مورد روایت رسیده، به نظر می‌رسد «گسترده‌گی قیام و عدم حرف شنوی و یا توهین احتمالی» سبب این رفتار بوده است (همان).

۲۸. بودن برادران حاسد به امام (علیه السلام) در این قیام، مانع از بیان نصایح و ارشادات می‌شد، از طرفی گسترده‌گی این قیام بعد از ۱۰ سال قوت‌گیری و در عوض ضعف احتمالی مأمون به خاطر تازگی پایان درگیری با امین، آنان را مصمم و امیدوار کرده بود (اصفهانی، بی تا: ۱۸۶؛ ابن خلدون، ۱۹۶۱، ج ۴: ۸؛ میرحسینی، ۱۳۹۲: ۳۹۱).

۲۹. زید از جمله اهدافش در پیوستن به ابن طباطبای و ابوالسرایا، انتقام‌گیری و کشتن عباسیان بود، چنانکه بعد از پیروزی نسبی بر مأمون، منازل عباسیان را به آتش کشید و حتی هر لباس سیاه‌پوشی می‌دید آتشش می‌زد (ادیب، ۱۳۸۸: ۲۲۵).

۳۰. گرفتن حکومت از حاکمان جائز و غاصب از مهم‌ترین اهداف قیام‌های زیدیه بود که البته در دوره امامت امام (علیه السلام) تنها دلیل به شمار می‌رفت، رکود اخلاقی رهبران به نسبت رهبران اولیه چون زید بن علی (علیه السلام)، نفس زکیه و برادرانش، این امر را قوی‌تر می‌کند؛ هر چند با همان شعار «الرضا من آل محمد» پیش می‌رفتند اما خلاف کتاب و سنت عمل می‌شدند... (نیای رشتخوار، ۱۳۸۹: ۱۳۵).

۳۱. وی از عقاید فاسقی که داشت: فاطمی خواندن خود بود به این معنا که این نسب او را از آتش جهنم دور خواهد کرد، لذا هر کاری از جور و گناه را انجام می‌داد که امام (علیه السلام) او را از این افکار برائت می‌داد: «این که شنیده‌ای خاص حسن و حسین است... اگر خیال می‌کنی تو که معصیت خدا را می‌کنی وارد بهشت می‌شوی و موسی بن جعفر که خدا را فرمانبرداری کرد نیز داخل بهشت می‌شود، پس باید تو از موسی بن جعفر نزد خدا گرامی‌تر باشی!» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۵۷-۲۶۱) زید در پیمان عمر ندیم منتصر عباسی بود (همان: ۲۲۸) کشتن هر سیاه‌جامه و تصاحب اموال غیر عباسیان، از دیگر اعمال او بود (ابن اثیر، ۱۳۷۰: ۱۷۷).

۳۲. امام (علیه السلام) چه در گفت‌وگوی مستقیم با زید و چه در جلسه اجرای حکم زیدالنار توسط مأمون، به پاسخ شبهات مأمون، زید و کوفیان که چنین فکری (فاطمی بودن) را به زید داده بودند، پرداختند و از التقاط حق و باطل جلوگیری کردند تا سبب گسترش گمراهی و فسق و فجور نشود (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۲۵-۲۲۶).

۳۳. امام (علیه السلام) با وجود اینکه جلسه محاکمه زیدالنار، در کنار دشمن مشترک بود اما باز هم دست از حق گویی برداشتند و زیدبن علی دفاع کردند (مفید، ۱۳۷۲: ۴).

۳۴. امام (علیه السلام) بعد از توبیخ و نکوهش زید، قسم خوردند تا زنده‌اند با او صحبت نکنند (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۴۹: ۲۱۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۳۳).

۳۵. در روایتی دیگر نیز آمده: امام (علیه السلام) از حسن بن جهم: «ای زیدا از خدا بترس که ما به هر مرتبه‌ای که رسیده‌ایم از پرهیزگاری بوده است و کسی که از خدا نترسد و دین خدا را مراعات نکند از ما نیست و ما از او نیستیم... ای پسر جهم! کسی که با دین خدا مخالفت کند من از او بیزارم، هر کس و از هر قبیله‌ای باشد و هر کس با خدا دشمنی کند با او دوستی نکن هر کس و از هر قبیله‌ای باشد... (گفتم:) کیست با خدا دشمنی کند؟ (گفتند:) کسی که معصیت او را کند» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۳۵).

۳۶. امام (علیه السلام) در عین بیان دفاعیات، در مقابل مأمون و همه شیعیانی که به خاطر اهل بیت (علیهم السلام) مورد عداوت و دشمنی حاکمان بوده‌اند راه زید بن موسی (علیه السلام) را مخالف اصول اسلام در قیام‌ها معرفی کرده؛ رضایت خداوند، رضایت ائمه (علیهم السلام)، مشورت با ائمه (علیهم السلام)، عدم مناقات با اصول امامت و عدم ادعای امامت، از مهم‌ترین اصول در این روایت شمرده می‌شوند (کارخانه، ۱۳۹۲: ۶۸-۷۰).

۳۷. وجود مبارک امام (علیه السلام) در مقابله‌های مأمون با علویان، موثر بود، مأمون با سیاست اظهار دوستی (ریاکاری) بخشش‌های بزرگی به خاطر امام (علیه السلام) انجام داد که برخی آن را روش امام (علیه السلام) در نجات جان علویان دانسته‌اند (زین‌العالمی، ۱۳۷۰: ۱۷۵).

۳۸. مجموع روایات و استدلال‌ها، از نارضاقتی و مخالفت شدید با رفتار و اعتقادات زیدالنار در هر مکان (در نزد دشمن، در نزد شیعیانش) خبر می‌دهد (کارخانه، ۱۳۹۲: ۷۵)، لذا امام (علیه السلام) قسم یاد کردند تا پایان عمر با او سخن نگویند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۴: ۵۸۷).

۳۹. وی با وجود نصایح و مشاوره‌های امام (علیه السلام) با اکادیب و ادعاهای دروغین‌اش، خود را امیر المومنین (ابن مهنا، ۱۳۶۲: ۱۷۲؛ مظفر، ۱۳۶۸: ۱۱۰) و مهدی موعود (اصفهانی، ۱۴۲۷: ۴۴۰) خواند و سوءاستفاده از نسبش به آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، ۱۳۸۵، ۱۳۸۸، انحرافاتی در مهدویت، امامت و ولایت به وجود آورد، لذا امام (علیه السلام) با اظهار برائت و ترک صلح ارحام، مخالفت خود را

ابراز کردند(ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۲، ۵۰۰).

۴۰. تشخیص ندادن مصلحت و سعادت جامعه و ناآگاهی سیاسی اجتماعی و گوشه‌نشینی او باعث شد تا قیام منحرف شود و شکست بخورد، امام (علیه السلام) در این باره فرمودند: «و کان محمد بن جعفر معتزلاً تلک الامور لم یدخل فی شی منها...»(ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۱، ۲۴۹). وی حکومت را حق خود می‌دانست(کارخانه، ۱۳۹۲: ۸۷) و زمانی که تسلیم مأمون شد گفت: «من شاهد بر پیمان هارون برای دو پسرش بودم... به من خبر رسید که مأمون مرده و مردم مرا خواندند و چون بر من از مأمون موافقتی بود، با من بیعت کردید، اما اکنون خیر رسیده او زنده است... (لذا) استغفار می‌کنم...»(ر.ک: طبری، ۱۳۵۳، ج: ۱۰، ۱۲۷-۱۲۸).

۴۱. وی بعد دستگیری ماهیت قیام خود را منکر شد(ر.ک: کلینی، ۱۴۰۱، ج: ۱، ۴۸۸) و خلافت را از آن مأمون خواند(ر.ک: طبری، ۱۳۵۳، ج: ۱۰، ۱۲۷-۱۲۸؛ اربلی، ۱۴۰۵، ج: ۳، ۹۳-۹۴) و امان خواست(اصفهانی، بی تا: ۴۴۰-۴۴۱).

۴۲. وی به سبب ظاهر زاهد و عابد و نسبش به اهل بیت (علیهم السلام) (مفید، ۱۴۱۳، ج: ۲، ۲۱۱؛ اصفهانی، ۱۴۲۷، ج: ۴۳۸-۴۳۹)، مورد حمایت مردم قرار گرفت و از وی درخواست قیام کردند(طبری، ۱۳۵۳، ج: ۱۳، ۵۶۶۶) (لذا به خاطر جو حاکم، متأثر شد) و برخی علت را جوابی برای توهین به اهل بیت (علیهم السلام) گفته‌اند(اصفهانی، بی تا: ۵۳۸).

۴۳. امام (علیه السلام) وی را از تکذیب پدر و برادرش (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۲، ۵۰۰) و برپایی قیام(ابن شهرآشوب، ۱۳۷۶، ج: ۴، ۳۳۹) برحذر داشت؛ اما وی به وساطت امام (علیه السلام) توجهی نکرد و قیام کرد(قمی، ۱۳۸۰: ۳۳۰).

۴۴. انحرافات، بی برنامه‌گی، شتابزدگی قیامها، با کشته شدن افراد بسیاری مواجه می‌شد که امام (علیه السلام) با این شیوه برپایی قیام‌های علویان مخالف بودند(بختیاری، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

۴۵. امام (علیه السلام): «... من با خود عهد کردم با او در زیر یک سقف نباشم» و قطع صلح رحم کردند(ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۲، ۲۲۱).

۴۶. امام (علیه السلام) با وجود ترک صلح رحم، باز هم در شب آخر، کسی را برای نهبی دیباج از قیام فرستادند(ر.ک: اربلی، ۱۴۰۵: ۷۴) امام (علیه السلام) واسطه‌گری مأمون را برای نصیحت دیباج پذیرفت(ر.ک: تشید، ۱۳۸۵: ۱۴۲).

۴۷. مأمون تمام قیام‌ها را برخاسته از این موارد می‌دانست(ر.ک: نیای رشتخوار، ۱۳۸۹: ۱۳۵-۱۳۷) و به گفته برخی مورخان شهری نمی‌یافتی که شخصی علوی در صدد قیام نباشد یا از وی نخواهند تا قیام کند... (مرتضی عاملی، ۱۳۶۵: ۱۸۴).

۴۸. همان: ۱۰.

۴۹. مأمون برای دفع بهتر شورشیان، با ریاکاری به جذب علویان پرداخت به خاطر شناخت خوب رهبران قیام‌ها(ر.ک: تشید، ۱۳۸۵: ۱۴۲) برای دیباج، تنها به ترساندن و امان دادن اکتفا کرد(مظفر، ۱۳۶۸: ۱۱۰).

۵۰. مأمون از تمام طرفنها برای حفظ حکومت استفاده کرد حتی لباس علویان را پوشید(سبزو، مسعودی، بی تا: ۳۰۲ و بختیاری، ۱۳۹۲: ۹۱).

۵۱. مأمون زیرک‌ترین خلیفه عباسی بود لذا با شناخت کامل و با دقت تمام سیاستش را عملی می‌کرد(بختیاری، همان).

۵۲. مأمون فردی بسیار فریبکار و دو رو بود به گونه‌ای که در کتب تاریخی از او در دو چهره خوب(اربلی، ۱۴۰۵: ۲۸۲-۲۸۳) و بد (بیهقی، ۱۳۸۳: ۱۵۷؛ فضل الله، ۱۳۸۴: ۱۲۶) یاد شده است.

۵۳. مأمون کوشید تا در اظهار دوستی با علویان، دادن ولایت‌عهده‌ی را از سر حق باوری و علاقه به امام (علیه السلام) نشان دهد(بشیر، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

۵۴. مأمون با فریبکاری از طرفی عباسیان(تنها انگیزه من از دادن ولایت‌عهده‌ی، حفظ خون شما بود؛ ... اگر تصور می‌کنید انگیزه من دادن ولایت‌عهده‌ی به آل علی بوده، ... اشتباه می‌کنید، ... من در فکر اصلاح کار شما و نسل شما هستم، در حالی که سرگردان و حیران اید و نمی‌دانید چه نقشه‌هایی برایتان دارند(مجلسی، ۱۴۰۲، ج: ۴۹، ۲۱۳)) و از طرف دیگر علویان را با دادن ولایت‌عهده‌ی به امام رضا (علیه السلام) آرام ساخت. حال اینکه امام (علیه السلام) در این باره به یاران نزدیک خود فرموده‌اند: «فریب مأمون را نخورید، به خدا قسم کسی غیر از اوقاتل من نیست ولی من چاره‌ای ندارم جز اینکه صبر کنم تا تقدیر الهی فرا رسد(خضری، ۱۳۸۷: ۱۷۶).

۵۵. مأمون به اجبار امام (علیه السلام) را بعد از چندین نامه‌نگاری به مرو آورد(بیهقی، ۱۳۸۳: ۱۵۷) و به اجبار ولایت‌عهده‌ی را با تهدید به مرگ به ایشان داد...به خدا قسم باید ولایت‌عهده‌ی را بپذیری اگر قبول نکنی، مجبورت خواهم نمود و اگر باز هم ابا کردی، شما را خواهم کشت. در نهایت به ستم ایشان را مجبور به خوردن زهر کردند(خضری، ۱۳۸۷: ۲۴۵).

۵۶. مأمون تمام تلاش خود را برای تهمت زدن به امامت و ولایت اهل بیت (علیهم السلام) کرد، وی برگذاری جلسات مناظره را برای تخریب شخصیت امام (علیه السلام) و تضعیف حکومت آل علی (علیهم السلام) انجام می‌داد. جلسه اجرای حکم زید النار، مناظره سلیمان مروزی،

مناظرات با ادیان مختلف، مناظرات با خود مأمون در باب امامت و... همگی از همین نوع اند. ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۲: ۳۵ به بعد).

۵۷. مأمون در ترویج علوم، ترجمه‌های زیادی از کتب یونان و مصر و هند و... را وارد جامعه اسلامی کرد، از طرفی تعویض ساختار حکومت به ایرانی و نفوذ افراد غیر مسلمان به دربار او کمک بسیاری به ترویج فرهنگ غیر اسلامی شد (حسینی فیروز آبادی، ۱۳۷۴: ۶۱-۶۳).

۵۸. امام علی (ع) از هر فرصتی با توجه به شرایط، برای افشاگری مأمون استفاده می‌کردند، کیفیت خداحافظی از مدینه (وداع جان‌سوز با قبر پیامبر ﷺ و خانواده‌شان و اصرار بر گریستن آنان) (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۱: ۱۴۸)؛ عدم مشروعیت حکومت مأمون در طول سفر، مقاومت در پذیرش ولایت‌عهدی، تأکید بر تشریفاتی بودن حکم ولایت‌عهدی (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵) نقد و اعتراضات به حکومت مأمون (عدم تصرفات بی حد و حصر) (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج: ۱: ۱۷۵).

۵۹. امام علی (ع) در بسیاری موارد زبان به نصیحت و ارشاد مأمون می‌گشود (ابن بابویه: همان).

۶۰. امام علی (ع) با موضع‌گیری‌های خود در مقابل توطئه‌های مأمون به خنثی کردن آن‌ها می‌کوشید (مانند: وقتی مأمون تقاضا کرد ولایت‌عهدی را امضا کنند، امام علی (ع) نوشتند: به شرطی که نه دستوری بر انجام کار و نه ندادن آن ندهم، نه قضاوت کنم و نه تغییری در شرایط به وجود آورم و به شرطی که مرا در انجام همه این امور معاف داری...) (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵).

۶۱. بسیاری از افراد در مقابل شبهات، پریشان می‌شدند، لذا صریحا از امامت ایشان سوال می‌کردند. ک: کلینی، ۱۳۸۹، ج: ۱: ۳۸۰).

۶۲. امام علی (ع) از زمانی که در مدینه بودند تا آمدن به مرو، به طرح‌گفتمان‌های امام‌شناسی پرداختند. به طور مثال در مسیر آمدن به نیشابور با بیان حدیث سلسله‌الذهب برای عامه، آنان را به امامت خود دعوت کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج: ۲: ۲۹۸).

منابع و مآخذ

- ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۷۰). *الکامل فی التاریخ*. ترجمه: حمیدرضا آژیر. تهران: اساطیر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۹۶۱ق). *مقدمه ابن خلدون*. ترجمه: محمد پروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹ق). *مناقب آل ابی طالب*، تصحیح: رسول محلاتی. قم: انتشارات علامه.
- _____ (۱۳۷۶ق). *مناقب آل ابی طالب*. نجف: المطبعة الحیدریة.
- ابن مهنا، احمد بن علی. (۱۳۶۲). *عمده المطالب فی انساب آل ابی طالب*. قم: رضی.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)*. ترجمه: محمد تقی نجفی. تهران: نور.
- _____ (۱۳۶۳). *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)*. قم: جهان.
- ادیب، عادل. (۱۳۸۸). *زندگانی تحلیلی پیشوایان ما: ائمه دوازده گانه (علیهم السلام)*. ترجمه: اسدالله مبشری. - [ویرایش ۲]. - تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اربلی، ابو الحسن علی بن عیسی. (۱۴۰۵ق). *کشف الغمه فی معرفه الائمة*. ترجمه: هاشم رسولی. تبریز: مکتبه بنی هاشم.
- اصفهانی، ابوالفرج. (بی تا). *مقاتل الطالبیین*. به کوشش احمد صقر. بیروت: دارالمعرفه.
- _____ (۱۴۲۷ق). *مقاتل الطالبیین*. به کوشش احمد صقر. بیروت: الاعلمی للمطبوعات
- بختیاری، زهرا. (۱۳۹۲). *امام رضا (علیه السلام) و فرقه های شیعه*. ویراسته هادی حسینی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بشیر، حسن. (۱۳۹۲). *رویکردهای اجتماعی در گفتمان روایی امام صادق (علیه السلام): تحلیل گفتمانی (سیره رضوی)*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- _____ (۱۳۹۵). *کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ (۱۳۹۲). «گفتمان ولایت مندی امام رضا (علیه السلام) میان دو رویکرد «زیست-قدرت»». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. سال اول. شماره ۳. صص: ۸۷-۴۹.
- _____ (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان در پرحه ای برای کشف ناگفته ها*. تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- بیهقی، محمد بن حسین. (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*. تصحیح: علی اکبر فیاض. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- تشید، علی اکبر. (۱۳۸۵). *هدیه اسماعیل یا قیام سادات برای تصاحب خلافت*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- حسینی فیروزآبادی، مرتضی. (۱۳۷۴). *فضائل پنج تن (علیهم السلام) در صحاح ششگانه اهل سنت*. ترجمه محمدباقر ساعدی. قم: فیروزآبادی.
- خاکپور، حسین؛ محمودی، مرضیه؛ سعیدی، منصوره. (۱۳۹۳). «نقش مدیریت امام رضا (علیه السلام) بر جامعه شیعه». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. سال دوم. شماره هشتم. صص: ۳۱-۵۵.
- خاکپور، حسین؛ اکبری، ملیحه؛ نوری، ابراهیم. (۱۳۹۷). «تحلیل رویکرد ارتباطات امام رضا (علیه السلام) با فرقه زیدیه (با بهره گیری از روش تحلیل گفتمان روایی پدام)». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. سال ششم. شماره ۲۴. صص: ۸۶-۱۰۴.
- خاکپور، حسین؛ قربانی، افسانه؛ رضوی دوست، غلامرضا. (۱۳۹۹). «تحلیل رویکرد ارتباطات امام صادق (علیه السلام) با سران فرقه زیدیه (با بهره گیری از روش تحلیل گفتمان روایی پدام)» (PDAM). *مجله دین و ارتباطات*. سال ۲۷. شماره ۱. صص: ۲۶۷-۲۹۵.

- خضری، احمد رضا. (۱۳۸۷). تاریخ خلافت بنی عباس از آغاز تا پایان آل بویه. تهران: سمت.
- زین‌العاملی، محمد حسین. (۱۳۷۰). شیعه در تاریخ. ترجمه: محمد رضا عطایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- الشامی، فضیلت. (۱۳۶۷). تاریخ زیدیه در قرن ۲ و ۳ هجری. ترجمه: علی اکبر مهدی پور. شیراز: دانشگاه شیراز.
- شوتس ایشل، رینر. (۱۳۹۱). مبانی جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: نشر نی.
- صفار قمی، محمد بن الحسن. (۱۳۹۱). بصائر الدرجات. ترجمه: علیرضا زکی زاده رنانی. قم: وثوق.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۳). تاریخ طبری. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ . (۱۳۷۳). دنباله تاریخ طبری. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- طقوش، محمد سهیل. (۱۳۸۰). دولت عباسیان. ترجمه: حجت‌الله جودکی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- فرمانیان، مهدی. (۱۳۸۶). درسنامه تاریخ و عقاید زیدیه. قم: ادیان.
- فضل‌الله، محمد جواد. (۱۳۸۴). تحلیلی از زندگانی امام رضا (علیه السلام). ترجمه: محمد صادق عارف. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- فیاض، عبدالله. (۱۳۸۲). تاریخ الامامیه. ترجمه: جواد خاتمی. سبزوار: ابن‌یمین.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۰). منتهی‌الامال. قم: هجرات.
- کارخانه، علی. (۱۳۹۲). سیره سیاسی امام رضا (علیه السلام) و تحلیل مسئله ولایتعهدی. قم: بستان کتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۹). اصول کافی. ترجمه: سید جواد مصطفوی. تهران: نشر فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام).
- لیتل جان، استیفن. (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه: سید مرتضی نوربخش و سید اکبر میرحسینی. تهران: جنگل.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۲ق). بحار الانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- مختار اللیثی، سمیره. (۱۳۸۵). جهاد الشیعة فی العصر العباسی الأول. ترجمه: سید کاظم طباطبایی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مرتضی‌عاملی، جعفر. (۱۳۶۵). زندگانی سیاسی امام رضا (علیه السلام). ترجمه دفتر انتشارات اسلامی. مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام).
- مرتضوی، محمد. (۱۳۸۶). ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مسعودی، ابوالحسن علی. (بی تا). التنبیه والاشراف. تصحیح: عبدالله اسماعیل الصاوی. قاهره: دارالصاوی.
- مظفر، محمد حسین. (۱۳۶۸). تاریخ شیعه. ترجمه: محمد باقر حجتی. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۲). امالی. ترجمه: استاد ولی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- میرحسینی، یحیی. (۱۳۹۲). مناسبات دوسویه امام رضا (علیه السلام) و زیدیه. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- میرفخرایی، تزا. (۱۳۸۴). فرایند تحلیل گفتمان. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- نیای رشتخوار، مجید. (۱۳۸۹). جنبش علوی، هجرت رضوی: بررسی عوامل قیام علویان و تاثیر آن در دعوت امام رضا (علیه السلام) از مدینه به مرو. مشهد: وارستگان.